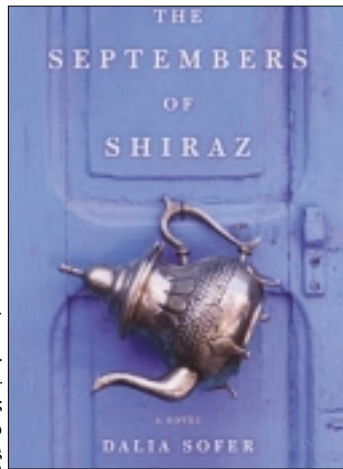


# موج «۳۰۰» این بار در وادی ادبیات

گروه فرهنگ و هنر - سینا علی محمدی:  
انتشارات معتبر آمریکایی «هایپر کولینز» اقدام به چاپ کتابی با نام «سپتامبرهای شیراز» کرده است که در آن حوادث اوایل انقلاب به طرز اغراق آمیزی خشونت آمیز روایت شده است. این کتاب که اولین اثر «دالیا سوفر»، نویسنده جوان متولد ایران است، در حالی از سوی این ناشر به چاپ رسیده که انتشارات کولینز به سبب شهرتش بندرت اقدام به چاپ اولین اثر و یا اثر نویسندگان جوان و بی تجربه می کند و تقریباً می توان گفت تنها دلیل چاپ این کتاب محتوای ضدایرانی و حتی یهودی بودن شخصیت اول آن است که با حمایت از سیاست های روز آمریکا منتشر شده است.

این کتاب داستان خانواده ای یهودی است که پدر خانواده شغل طلافروشی داشته و یکی از مشتریانش نیز فرح پهلوی بوده است و به همین دلیل تا حدودی گرایش های سلطنتی دارد و توسط نیروهای انقلابی در همان سالهای اول انقلاب دستگیر و در حالی که خانواده اش از او خبری ندارند، او را بشدت در زندان های ایران شکنجه می کنند.

در این رمان، افراد منتسب به انقلاب اسلامی ایران به عنوان افرادی روانی و عاشق خشونت و شکنجه معرفی و محکوم شده اند.



کتاب «سپتامبرهای شیراز»

با کمی تامل در چاپ این کتاب می توان به تحلیلی اشاره کرد که چندی پیش از سوی بنیاد مطالعاتی هریتج the heritage foundation منتشر شده بود و کارآمدترین راهبرد حمله به ایران و مقابله با پیشرفت ها و شکست مقاومت هسته ای ایران را در گرو عملیات روانی و فرهنگی در داخل کشور و بر روی مردم و بویژه جوانان دانسته بود.

با توجه به این نکته و انتشار این کتاب باید به نقش ادبیات و بویژه داستان در تبیین ارزشهای

انقلاب بیشتر توجه داشت و اگر غفلت کنیم دشمنان ما با تولید آثار داستانی به جوانان ما خوراک فرهنگی می دهند که پاک کردنش از ذهن آنها بسیار دشوار می نماید.

واقعیت این است ادبیات داستانی مادر طول سه دهه کمتر به انقلاب توجه داشته است و می بینیم با گذشت نزدیک به ۳۰ سال تازه قرار است نخستین جشن داستان انقلاب برگزار شود. یا حتی ناشران ما در داخل کشور کمتر زیر بار چاپ آثاری با موضوع انقلاب می روند. آن هنگام یک نویسنده نه چندان مطرح که تنها تا ۱۰ سالگی در ایران بوده و نویسنده گمنامی نیز هست، با حمایت یکی از مهمترین ناشران آمریکا داستانی درباره انقلاب ایران منتشر می کند که شاید از نظر اعتبار و ارزش ادبی چندان امتیاز خاصی نداشته باشد.

حمله روانی و فرهنگی دقیقاً آن چیزی است که غرب مدتهاست در برابر ایران محور فعالیت های خود قرار داده است و ساخت فیلم ۳۰۰، اهدای جایزه و دادن لقب شوالیه به سلمان رشدی یا مصادره کردن فرهنگ ایران توسط کشورهای عربی و حمایت از شاعران و نویسندگان نه چندان مطرح ایرانی در خارج از مرزها و گاهی به شکل غیرمستقیم در داخل کشور همه در همین جهت است.

به نظر می رسد با توجه به سخنان رهبر انقلاب که هشدار داده بودند دشمنان برای نابودی هویت ملی جوامع بشری و تحقق بیشتر اهدافشان در پی تشکیل ناتوی فرهنگی هستند تا با استفاده از امکانات زنجیره ای، متنوع و بسیار گسترده رسانه ای، سررشته تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها و ملتها را به دست بگیرند باید کمی جدی تر و خارج از چارچوب جلسات رسمی و تئوریک به این موضوع پرداخته شود.

زمان نسبتاً طولانی از هشدار رهبری می گذرد و در این زمان حساسیت های جامعه و مسوولان نسبت به این موضوع هر چند بیشتر شده است اما هنگامی که به عمل می رسم درمی یابیم که هنوز کمترین هزینه ها و بودجه ها در حوزه فرهنگ قرار می گیرد. مصوبه های شورای عالی انقلاب فرهنگی که به طور جدی دغدغه مهندسی فرهنگی و مقابله با ناتوی فرهنگی را دارد، اکثراً به دلیل فقر بودجه در وزارتخانه ها و دیگر نهادها خاک می خورد.

به اعتقاد کارشناسان هر چند نباید خیلی ناامیدانه نگاه کرد اما قطعاً این حرکتها آغاز جریان ناتوی فرهنگی قلمداد می شود و در آینده بیشتر از پیش نمونه های تولیدی غرب را در مصادره فرهنگ ایران و تهی کردن جوانان از ارزشها خواهیم دید.